

## تصحیح کشف المحجوب هجویری

محسن ذاکرالحسینی

کشف المحجوب، ابوالحسن علی بن عثمان هجویری، به کوشش محمود عابدی، انتشارات سروش، تهران ۱۳۸۳، ۱۲۲۸ (هفتاد و چهار + ۶۱۰ + ۵۴۴) صفحه.  
طی قرن‌های چهارم و پنجم هجری، سه کتاب با نام کشف المحجوب نوشته شده است: یکی به قلم ابویعقوب اسحاق بن احمد سگزی (وفات: پس از ۳۶۱)؛ دیگری به قلم ابوابراهیم اسماعیل بن محمد بن عبدالله مستملی بخاری (وفات: ۴۳۴) که در حقیقت عنوانی است نهاده شده بر یکی از نسخه‌های خطی شرح‌تعریف او (روشن، ص ۱۶)؛ سومی به قلم ابوالحسن علی بن عثمان جلابی هجویری غزنوی (وفات: نیمه دوم قرن پنجم هجری) که او را «پیر هجویر» و «سید هجویر» و «داتا (= مرئی) گنج‌بخش» خوانده‌اند.

### هجویری

هجویری عارفی جهانگرد بوده و مذهب حنفی و مسلک جنیدی داشته و از محضر مشایخ برجسته‌ای همچون ابوالفضل محمد بن حسن ختلی، ابوالعباس شقانی، و ابوالقاسم کرکانی کسب فیض کرده است. وی شاعر بوده و احتمالاً «جلابی» یا «جلابی» (معرب «گلابی») تخلص می‌کرده است (عباسی، ص بیست و یک). به رغم قرب زمانی و تشابه اسمی او با «گلابی» مذکور در چهارمقاله (نظامی عروضی، ص ۴۴) - که مداح آل خاقان بوده - بعید به نظر می‌رسد که این دو یک نفر باشند.

## آثار هجویری

هجویری شاعر و مؤلفی مظلوم بوده و عمده آثارش به یغمای روزگار و اهل آن رفته است. دیوان شعرش را کسی، به رسم امانت، گرفته و بازپس نداده و همه را به نام خود گردانیده است. هجویری در این باره می‌نویسد:

دیوان شعرم کسی بخواست، و باز گرفت. و اصل نسخه جز آن نبود. آن جمله را بگردانید، و نام من از سر آن بیفکند، و رنج من ضایع کرد. تاب الله علیه. (هجویری، ص ۲)

کتاب دیگری هم درباره تصوف داشته، به نام منهاج الدین، که یکی از مدعیان دروغین تصوف به نام خود کرده و هجویری شأن وی را چندان حقیر دانسته که حتی از ذکر نام او نیز ابا کرده است. او خود درباره این کتاب می‌نویسد:

کتابی کردم هم اندر طریقت تصوف، نام آن منهاج الدین. یکی از مدعیان رکیکه، که کرای گفتار او نکند، نام من از سر آن پاک کرد و به نزدیک عوام چنان نمود که وی کرده است، هرچند خواص بر آن قول بر وی خندیدندی؛ تا خداوند تعالی بی‌برکتی آن بدو در رسانید و نامش از دیوان طلاب درگاه خود پاک گردانید. (همانجا)

دیگر کتاب‌های او نیز سرنوشت بهتری نداشته‌اند. جای دیگر می‌نویسد:

من پیش از این کتب ساختم اندر این معنی، جمله ضایع شد؛ و مدعیان کاذب بعضی سخن از آن مرصید خلق را برچیدند و دیگر را بشستند و ناپایدار [تصحیح اخیر: ناپدیدار] کردند... و گروهی دیگر نشُستند اما برنخواندند؛ و گروهی دیگر برخواندند و معنی ندانستند و به عبارت آن بسنده کردند. (همو، ص ۸)

از دیگر آثار هجویری - الرعاية بحقوق الله تعالی، اسرار الخرق و الملوّنات، نحو القلوب (یا بحر القلوب)، کتاب البیان لاهل العیان، کتاب فنا و بقاء، کتابی در شرح کلام حسین بن منصور حلاج، و کتابی درباره ایمان - هیچ نشانی در دست نیست؛ اما اهم احکام مذکور در کتاب فنا و بقا - چنان که خود وعده کرده (همو، ص ۶۷) - در ذیل «خرّازیه» با عنوان «الكلام فی الفناء و البقاء» آورده است. (همو، ص ۳۱۱)

«فَرَقِ فِرَق» که ژوکوفسکی (ص پنجاه) در ضمن آثار هجویری یاد کرده، بنا بر اشاره خود هجویری («اندر ردّ کلمات ایشان، بابی بیارم اندر فَرَقِ فِرَق.» - هجویری، ص ۱۹۲)، بابی است از کشف المحجوب (← همو، ص ۲۱۸) نه اثری مستقل. همچنین «کتاب الحج»، که تسبیحی (ص ۱۶۴، ۱۶۵) جزو آثار هجویری آورده و تعجب کرده که چرا دیگران از آن یاد نکرده‌اند،

فقط بخشی است از کشف المحجوب. هجویری (ص ۲۰۷) آورده است:

اندر کتاب الحج، اندر مشاهدت و وجود آن بابی بیارم ان شاء الله عز و جل.  
و این کتاب (به معنای «باب» و «جزو») حج همان است که در دنباله کتاب، تحت عنوان  
«کشف الحجاب الثامن، فی الحج»، آمده (همو، ص ۴۲۲) و «باب المشاهدات» در ذیل آن  
آمده است. (همو، ص ۴۲۷)

دو اثر دیگر نیز به هجویری نسبت داده‌اند به نام‌های کشف الاسرار و ثواب الاخبار که  
هر دو مشکوک الانتساب است.

در ضمن نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده خاورشناسی دانشگاه سن پترزبورگ، از  
نسخه ناقص هفت اقلیم (شماره ۱۱۳۴، مجموعه کاظم‌بگ)، نستعلیق مورخ ۱۰۱۱  
هجری، تألیف ابوالحسن علی بن عثمان بن ابی‌علی الاجلابی (صورت محرف  
«الجلابی») الهجویری الغزنوی، با تاریخ تألیف ۴۳۷-۴۴۰ و ۴۶۵ یاد شده (قابل جمالاف،  
ص ۲۶۴)، که محل تأمل و بررسی است؛ چه، یکی از نسخه‌های کشف المحجوب، متعلق به  
همان دانشگاه (شماره ۵۴۸) و از همان مجموعه و با همان تاریخ کتابت، مورد استفاده  
ژوکوفسکی قرار گرفته (ژوکوفسکی، ص شصت و دو) و ممکن است در نقل عنوان و شماره  
نسخه اشتباهی رخ داده باشد.

### کشف المحجوب

کشف المحجوب هجویری، که از آن با عنوان کشف المحجوب لاریاب القلوب و کشف الحجب  
المحجوب لاریاب القلوب نیز یاد شده، پس از شرح مستملی بخاری بر التعرف لمذهب اهل  
التصوف کلابادی، ظاهراً کهن‌ترین کتاب فارسی شناخته شده است درباره تصوف. این  
کتاب، هم به لحاظ احتوای بر اطلاعات مهم اجتماعی و تاریخی و جغرافیائی از عصر  
مؤلف و درج اطلاعات بکر و بدون واسطه درباره مکتب تصوف و پیروان آن و هم  
به لحاظ حفظ اسلوب کهن، ترکیب‌ها و بافت‌های ویژه دستوری، و واژه‌های اصیل و کهن  
فارسی، از متون بنیادی نثر فارسی به شمار می‌آید.

هجویری، این اثر جامع و کامل را در پاسخ پرسش‌های بنیادی دوست و همشهری  
عارفش، شیخ ابوسعید هجویری، تألیف کرده است.

از منابع اصلی هجویری، در تألیف این اثر، تاریخ المشایخ محمد بن علی ترمذی

(وفات: ۲۸۵)، کتاب المجبة عمرو بن عثمان مکی (وفات: ۲۹۷)، کتاب اللمع فی التصوف ابونصر سراج طوسی (وفات: ۳۷۸)، طبقات الصوفیة ابو عبدالرحمان سلمی (وفات: ۴۱۲)، و الرسالة ابوالقاسم قشیری (وفات: ۴۶۵) بوده است. در قرن های بعد، آثار عرفانی مهمی چون اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید محمد بن منور (قرن ششم هجری)، تذکرة الاولیاء عطّار نیشابوری (وفات: پس از ۶۱۸)، فصل الخطاب خواجه بهاء الدین محمد پارسا (وفات: ۸۲۲)، و نفحات الانس من حضرات القدس عبدالرحمان جامی (وفات: ۸۹۸) از کشف المحجوب او تأثیر پذیرفته است.

### نویسنده تعلیقه بر کشف المحجوب

دانشمندی، به نام عبدالغفور، رساله ای در شرح کشف المحجوب دارد که از آن با عنوان حاشیه کشف المحجوب یا تعلیق بر کلمات کشف المحجوب یاد شده و هنوز به چاپ نرسیده اما دو نسخه خطی از آن شناسایی شده است؛ یکی در کتابخانه گنج بخش پاکستان به شماره ۴۰۷۵/۸۹۰، به خط نستعلیق قرن یازدهم هجری؛ دیگری در کتابخانه حکیم محمد موسی امرتسری چشتی (لاهور) (تسبیحی، ص ۶۵۱-۶۵۳). احمد منزوی می نویسد:

این نام [یعنی «عبدالغفور»] مرا به یاد عبدالغفور لاری و حاشیه نفحات الانس او کشاند، ولی در تأییدش چیزی نیافتم. (← تسبیحی، ص ۶۵۲)

این عبدالغفور، چنان که منزوی حدس زده است، باید همان عبدالغفور لاری (وفات: ۹۱۲) باشد که همانمی، همعصری، توجه هر دو به آثار عرفانی، آشنائی هر دو با نفحات الانس و دیگر آثار جامی، و نوع تألیف (تکمله یا تعلیق بر اثری عرفانی) این حدس را تقویت می کند.

عبدالغفور لاری از شاگردان برجسته جامی بوده که تاکنون به زندگی و آثار او چندان توجه نشده و قدرش ناشناخته مانده است. او صاحب تکمله نفحات الانس است که «مقامات» جامی را در آنجا آورده و نسخه ای از آن (موزه آسیائی، شماره ۵۶۰ یا ۵۸۰) در اختیار ژوکوفسکی بوده است (ژوکوفسکی، حاشیه صفحات سی و شش و چهل). جامی، در وصف وی، سروده است:

آنجا که فهم و دانش مرغی بود شکاری بازی است تیزرفتار عبدالغفور لاری  
(که لاری به «خروس لاری» اشاره و با «باز» تناسب دارد.)

عبدالغفور لاری محیی‌الدین لقب داشته که در بعضی منابع رضی‌الدین آمده است و می‌پندارم که مثنوی فتوح‌الحرمین نیز از همو باشد. این مثنوی، که اشعاری مختلف‌الوزن از جامی و غیاث‌الدین عارف نیز در آن جای داده شده، از روی چهار نسخه خطی به نام «محیی‌الدین لاری» به طبع رسیده اما در هیچ جای مقدمه مصحح به نام «عبدالغفور» اشاره نشده است. در این مثنوی، در وصف کعبه آمده است:

خانه چه گویم که یکی کوه نور سائر او پرده عفو غفور  
(لاری، ص ۴۸)

که ممکن است تلویحاً اشاره‌ای به نام گوینده باشد. سراینده فتوح‌الحرمین ظاهراً «محیی» تخلص می‌کرده است. صاحبان تذکره شرح‌حالش را به اختصار آورده و او را شاگرد جلال‌الدین دوانی و شارح قصیده تائیه ابن فارض معرفی کرده‌اند.

#### ترجمه‌های کشف‌المحجوب

از کشف‌المحجوب هجویری چند منتخب و چندین ترجمه فراهم آمده است، از جمله ترجمه شمس‌الهند ایزدی به اردو (لاهور ۱۹۰۳، ۱۹۲۷)؛ ترجمه رینولد آلین نیکلسن به انگلیسی (لندن ۱۹۱۱، ۱۹۳۶، ۱۹۷۶)؛ ترجمه شاه‌ظہیرالدین احمد ظہیری به اردو (لاهور ۱۹۲۵)؛ ترجمه مولوی فیروزالدین به اردو (پاکستان ۱۹۴۷)؛ ترجمه ابونعیم عبدالحکیم‌خان نشتر جالندهری به اردو (پاکستان ۱۹۶۳، ۱۹۷۱)؛ ترجمه اسعاد عبدالهادی قنديل به عربی (قاهره ۱۹۷۴، بیروت ۱۹۸۰)؛ ترجمه محمود احمد ماضی ابوالعزائم (مقابله با فارسی: ابراهیم دسوقی شتا) به عربی (قاهره ۱۹۷۴)؛ ترجمه ابوالحسنات سید محمد احمد قادری به اردو (لاهور ۱۹۷۸، ۱۹۸۴)؛ ترجمه غلام معین‌الدین نعیمی (با تجدید نظر اسد نظامی) به اردو (لاهور ۱۹۷۸)؛ ترجمه سلیمان اولوداگ به ترکی (استانبول ۱۹۸۲)؛ ترجمه فضل‌الدین گوهر به اردو (لاهور ۱۹۸۳)؛ ترجمه محمد صابر به پنجابی (لاهور ۱۹۹۶)؛ ترجمه میان طفیل احمد به اردو (لاهور، ۹ بار)؛ ترجمه حبیب احمد صاحب به اردو (بی‌تا).

#### نسخه‌ها و چاپ‌های کشف‌المحجوب

از کشف‌المحجوب هجویری ده‌ها نسخه خطی وجود دارد و تسییحی (ص ۶۱۳-۶۵۶)، با

استفاده از فهرست‌های منزوی، در حدود شصت نسخه آن را معرفی کرده است. این کتاب ارزشمند، تاکنون بارها به چاپ رسیده است، از جمله: لاهور ۱۸۷۴؛ لاهور ۱۹۰۳؛ به کوشش ملا سید عبدالمجید مفتی، سمرقند ۱۹۱۱؛ تاشکند ۱۹۱۱؛ به کوشش سید احمدعلیشاه، لاهور ۱۹۲۳؛ به کوشش والتین آلکسیویچ ژوکوفسکی، لنین‌گرا ۱۹۲۶؛ به کوشش محمدحسین فاضل دیوبندی، لاهور ۱۹۳۱؛ افسست از روی چاپ ژوکوفسکی، با مقدمه م. محمدلوی عباسی، تهران ۱۳۲۷؛ همان، تهران ۱۳۳۶؛ به کوشش علی قویم، تهران ۱۳۲۷؛ به کوشش احمد ربّانی (از روی نسخه‌ای با ترقیمه ظاهراً مخدوش مورخ ۶۶۴ به خط بهاءالدین زکریا مولتانی)، با مقدمه محمدشفیع لاهوری، لاهور ۱۹۶۸؛ به کوشش ارشد قریشی، لاهور ۱۹۷۸؛ افسست از روی چاپ ژوکوفسکی، با مقدمه قاسم انصاری، تهران ۱۳۵۸؛ به کوشش محمدحسین تسبیحی، لاهور ۱۹۹۶؛ و به کوشش محمود عابدی، تهران ۱۳۸۳.

### تازه‌ترین تصحیح کشف المحجوب

نخستین تصحیح انتقادی کشف المحجوب همان است که به همت مستشرق دانشمند، والتین آلکسیویچ ژوکوفسکی (مصحح متن اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید)، بر اساس نسخه مقابله شده کتابخانه سلطنتی وین (شماره ۳۳۴، مجموعه هامر) و مقابله با چهار نسخه دیگر، همراه با فهرس جامع و مقدمه روسی مصحح، در سال ۱۹۱۴ میلادی انجام یافت و، پس از مرگ ژوکوفسکی (۱۹۱۸ م)، یکی از شاگردان او به نام آ. راماسکیویچ، با افزودن برخی فهرس دیگر و پاره‌ای تصحیحات و توضیحات، آن را آماده انتشار کرد. این کتاب، سرانجام در سال ۱۹۲۶، با تیراژ ۲۵۰ نسخه انتشار یافت و، پس از آن، چند بار در تهران به طریقه افسست تجدید چاپ شد.

تازه‌ترین تصحیح انتقادی کشف المحجوب، به کوشش محقق ارجمند، محمود عابدی (مصحح متن نفحات الانس من حضرات القدس)، بر اساس همان نسخه وین و مقابله با پنج نسخه دیگر از قرن‌های نهم تا یازدهم و مراجعه موردی به سه نسخه دیگر، صورت گرفته و اخیراً (۱۳۸۳ ش)، به همت انتشارات سروش، به گونه‌ای درخور به طبع رسیده

است. مصحح، به جز نسخه وین، دیگر نسخه‌های مورد استفاده خود را از نسخه‌ای منشعب دانسته که، پس از مرگ مؤلف و احتمالاً بسیار نزدیک به حیات او، صورت تغییر و بسط یافته‌ای از کشف المحجوب را روایت کرده است؛ چه، این تغییرات به تذکره الاولیاء عطار نیز راه یافته است. (عابدی، صفحات شصت و یک و شصت و دو)

این چاپ با یادداشتی از مصحح (درباره ارزش کتاب، قبول عام آن، کثرت نسخه‌ها، انگیزه تصحیح، و سپاس از یاوران مصحح) و مقدمه‌ای نسبتاً مفصل از او (مشمول بر منابع شناخت هجویری، سفرهایش از غزنه تا لاهور، شخصیت و داوری‌هایش، پیران و استادانش، آثار او، منابع عرفانی پیش از هجویری و پس از او، کشف المحجوب و منابع آن، تاریخ تألیف آن، نشر کتاب، حاشیه و ترجمه‌ها و چاپ‌های آن، معرفی نسخه‌ها، روش مصحح، و نمونه تصویر چند صفحه از نسخه اساس) آغاز شده و متن کشف المحجوب به دنبال آمده و، پس از آن، تعلیقات و توضیحات مفصل مصحح و فهرست‌های جامع آیات، احادیث، اقوال مشایخ، دعاها و جمله‌های دعایی، ترکیبات عربی، اشعار عربی، داستان‌ها، مثل‌ها و مثل‌واره‌ها، سخنان مؤلف درباره خود، اصطلاحات، دوگانه‌ها (مترادفات و کلمات متقابل)، لغات و ترکیبات، ملل و نحل، راهنمای تعلیقات، اشخاص، کتاب‌ها، جای‌ها، و مآخذ مقدمه و تعلیقات الحاق شده است.

مصحح، در تهذیب متن، جهد بسیار مبذول داشته و، به مدد توضیحات مناسب و با مذاقه در نسخه‌ها، ضبط صحیح بسیاری از کلمات و عبارات را معلوم کرده و گره بسیاری از مشکلات و غوامض متن را گشوده و، برای فراهم آوردن تعلیقات و توضیحات و فهارس، رنجی دراز بر خود هموار کرده است. با این همه، همچنان عقده‌ها و مشکلات این متن - که مخصوصاً در بعضی از فصول مربوط به شرح اصطلاحات و عقاید صوفیه الحق سنگین و فهم آن دشوار است - کم نیست. در این چاپ، حواشی نسخه اساس - که ژوکوفسکی در ضمن متن آورده - از متن خارج شده است که به لحاظ فن تصحیح اهمیت بسیار دارد.

نگارنده در این تصحیح و مقدمه و تعلیقات آن تأمل کرد و طرفی از آن را با چاپ ژوکوفسکی سنجید و این نتیجه حاصل آمد که در پاره‌ای از موارد هنوز متن مصحح ژوکوفسکی برتری دارد.

### نکته‌هایی درباره مقدمه مصحح

۱. در مقدمه مصحح (ص بیست‌وسه) آمده است:

رسالة قشیریه... از گران‌مایه‌ترین منابع تصوف است، و بی‌سبب نیست که هم از روزگار مؤلف به سماع و حفظ و روایت آن همت گماشته‌اند، و پس از چندی دو بار به زبان فارسی ترجمه شده است.

● مصحح محترم قول اخیر را به استناد نوشته شادروان استاد فروزانفر در مقدمه ترجمه رساله قشیریه آورده است؛ اما ظاهراً آن استاد در این باره دچار اشتباهی شده است. وجود ترجمه دومی که استاد فقید چند بار از آن به تصریح یاد کرده (← فروزانفر، ص ۷۶-۷۷) به هیچ وجه پذیرفتنی نیست. مستند ایشان عبارات نخستین از دیباچه برافزوده نسخه شماره ۱۲۰ کتابخانه لالا اسماعیل بوده است. نص آن عبارات چنین است:

اتفاق چنان افتاد که چون رسالتی که استاد امام زین‌الاسلام ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن القشیری رَضِيَ اللهُ عَنْهُ و آرضاه کرده است، خواجه امام ابوعلی بن احمد العثماني رَحِمَهُ اللهُ - که از جمله شاگردان و مریدان استاد امام ابوالقاسم قَدَسَ اللهُ رُوحَهُ العزیز بود و به انواع فضل آراسته - این رسالت باز پارسی نقل کرد تا فایده آن عام باشد و هیچ صنف آدمی از آن بی‌بهره نباشد، این نسخه پارسی به کرمان آوردند از خراسان در آن عهد که خواجه امام اجل زاهد ابوالفتوح عبدالرحمان بن محمد النیسابوری رحمة الله علیه در کرمان بود.

شیخ الشیوخ احمد بن ابراهیم، المعروف به پارسا، رغبت کرد که او را نسختی باشد. و آن نسخه که آورده بودند سقیم بود و آن را حاجت به تصحیح. از خواجه امام ابوالفتوح رحمة الله درخواستند تا در آن نظر کند و هر آنچه به اصلاح حاجت است بدان قیام نماید. این نسخت هم پیش‌خواست و در آن نظری شافی کرد و بر لفظ او رفت که «این کتاب رساله کتابی عزیز است و غوری دارد که از همه نوع علم در این کتاب است. و اگرچه این کس که نقل باز پارسی کرده است شخصی عزیز بود و به انواع فضل متحلی، اما هم کسی بایستی که در درجه استاد امام بودی تا در این شروع توانستی کرد». و می‌خواست که خود باز پارسی کند و در آن باب ید بیضا نماید، لکن اجل مهلت نداد و از دار فنا به جوار حق عزَّ اسْمُهُ انتقال کرد. باری تعالی او را غریق نعمت کناد و مساعی او در این مشکور گرداناد، بِمَنْه. (مقدمه قدیم ترجمه رساله قشیریه، ص ۱-۲)

و در آخر دیباچه آمده است:

خواجه امام ابوالفتوح رحمة الله وصیت کرد و فرمود که به دیگران وصیت کنند که تا قدر این کتاب بدانند. گفت: «باید که هر که این کتاب دارد، به صدق و اخلاص و اعتقاد نیکو برگیرد، و



در آن نظر کند، تا از آن فایده و منفعت بیند. و اگر به غیر از این باشد، از فایده کتاب محروم ماند، و از انفاسِ عزیزِ آن<sup>۱</sup> برکت نبیند». از حق جلّ جلاله خواهیم صدقِ نیت و اصلاحِ سریرت و حسنِ عاقبت در دنیا و آخرت. انّ الله بعباده رؤوفٌ لطیفٌ غفورٌ رحیمٌ ماجدٌ کریمٌ. به حکم وصیتِ خواجه امام ابوالفتوح رحمه الله آنچه گفت، نوشته آمد، تا ادای امانتِ او کرده باشیم. (همان، ص ۴)

در این باره، نکات زیر درخور توجه است:

□ چنانکه ملاحظه می شود، در هیچ جای این عبارات اشاره‌ای به انجام یافتن ترجمه‌ای دیگر نشده است. خواجه ابوالفتوح نیشابوری قصد این کار را داشته اما اجل وی را مهلت نداده است. هیچ اشاره‌ای هم نیست که دیگری بدین مهم دست فرابرده باشد خاصه آنکه ابوالفتوح ترجمه چنین کتابی را فقط در حوصله مردی هم‌سنگ قشیری دانسته و احتمالاً خود در آن مقام بوده است.

□ اصلاً از عبارات مذکور چنین برمی آید که نسخه‌ای که این دیباچه بدان افزوده شده همان نسخه ترجمه ابوعلی عثمانی است که به کرمان آوردند و ابوالفتوح آن را دید و حتی احتمال اینکه استنساخی از روی آن نسخه باشد ضعیف است.

□ پس از دیباچه مذکور، نسخه لالا اسماعیل - که مبنای تصحیح استاد فروزانفر و مستند اظهارات ایشان بوده - صریحاً با این عنوان آغاز شده است:

*الرسالة الى الصوفية مما صنفه الاستاذ الامام الاجل زين الاسلام ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن القشيري فسرّها الشيخ الامام ابوعلی الحسن بن احمد العثماني.* (همان، ص ۷)

در این عنوان، علاوه بر انتساب صریح ترجمه به ابوعلی عثمانی، عنوان کتاب - الرسالة الى الصوفية، که معمولاً به صورت «الرساله» از آن یاد می شود و در چاپ استاد فروزانفر به صورت ترجمه رساله قشیره آمده - درخور توجه است.

□ اختلافات نسخه لالا اسماعیل با نسخه موزه بریتانیا - که نسخه بدل استاد فروزانفر بوده - چندان نیست که آنها را در دو ترجمه جداگانه توان دانست.

□ هرگاه فرض جدائی دو ترجمه را بپذیریم، در اصل به کار استاد فروزانفر خدشه وارد می شود؛ چون، برای تصحیح انتقادی متن ترجمه اثری، نمی توان متن ترجمه دیگری را نسخه بدل قرار داد و آن دو را به هم آمیخت و افتادگی های یکی را از دیگری

(۱) متن مصحح فروزانفر: عزیزان

نقل کرد. در چنین مواردی، هر ترجمه استقلال دارد و ارزش آن به عنوان متن فارسی جداست؛ چنان‌که شادروان علی‌اصغر حکمت دو ترجمه از مجالس النفاثین امیرعلی شیر نوایی را در کنار هم قرار داد و، هر چند عمده مندرجات آن دو در نقل از اصل ترکی یکی بود، متن کامل هر دو ترجمه را جداگانه نقل کرد و متأسفانه با ترجمه سوم چنین معامله‌ای نکرد.

۲. مصحح، در ضمن ذکر آثار هجویری (صفحات بیست‌وسه تا بیست‌وپنج)، از نحو القلوب نامی نیآورده و، در تعلیقات (ص ۸۳۹)، آن را از قشیری دانسته است.  
● در متن کشف المحجوب آمده است:

من، اندر این معنی، در حالِ بدایت کتابی ساخته‌ام و مرآن را بیان لاهل العیان نام نهاده؛ و اندر نحو القلوب، در باب جمع، فصولی مشبع بگفته. اکنون مرخفت را بدین مقدار بسنده کردم.  
(هجویری، ص ۳۳۳)

قشیری شاید کتابی بدین نام داشته اما عبارت هجویری حاکی از آن است که خود مؤلف آن بوده است. نام این کتاب، در رساله قشیری نیامده است؛ اما استاد فروزانفر، در مقدمه ترجمه رساله قشیری، آن را از قشیری دانسته (فروزانفر، ص ۶۴) که ظاهراً قول ایشان مبتنی بر کشف الظنون (حاجی خلیفه، ج ۲، ستون ۱۹۳۵) است و تا سند دیگری آن را تأیید نکند باید در انتساب این کتاب به قشیری تردید کرد؛ زیرا هجویری به صراحت آن را از خود دانسته و بعید است که تألیف او تألیفی دیگر باشد، خاصه آنکه شادروان مینوی، در فهرستی که از آثار قشیری و نسخ خطی آن برای استاد فروزانفر فرستاده («فروزانفر، ص ۸۰-۸۴)، نامی از این کتاب نیآورده و یقیناً رویترو بروکلن نیز - که مینوی از آنها نقل کرده - از این کتاب جزو آثار قشیری یاد نکرده‌اند.

۳. در مقدمه مصحح (ص بیست‌وچهار)، نام یکی از آثار هجویری «الرعاية بحقوق الله»، و محل ذکر آن در کشف المحجوب (ص ۴۹۸) ذکر شده است.

● الرعاية بحقوق الله مذکور در صفحه ۴۹۸ کتابی است از آن احمد بن خضرویه. نام کتاب هجویری، مطابق تصحیح مورد گفت و گو، الرعاية لحقوق الله تعالی است که در صفحه ۴۱۰ از آن یاد شده است. البته ژوکوفسکی نام این کتاب را الرعاية بحقوق الله تعالی آورده، اما این صورت حتی در نسخه بدل نیز نیامده است.

۴. در سخن از نثر مؤلف، در ذیل «معانی بعضی از حروف» آمده است:

«که» در آغاز جمله، و مترادف «انّ»: که وی را کرامات مشهور است (۹۵، و نیز رک: ۹۸، ۱۰۰، ۱۴۱). (مقدمۀ مصحح، ص پنجاه و سه)

● در هیچ یک از موارد مذکور، «که» در آغاز جمله و به جای «انّ» قرار نگرفته است بلکه به همان معنای معمول ربط آمده که با موصول خود اندکی فاصله دارد و حشوی در میان افتاده است؛ لذا فاصله‌ای که در متن این تصحیح میان «که» و ماقبل آن لحاظ شده ← ص ۹۵، ۹۸، ۱۰۰، ۱۴۱) نایب‌جاست.

۵. در معرفی نسخه‌ها آمده است:

نسخه اساس... به خط نسخ، کتابت مسعود بن شیخ الاسلام القرشی الصوفی. (مقدمۀ مصحح، ص پنجاه و هفت)

● مصحح وجه انتساب کتابت نسخه را به مسعود صوفی معلوم نکرده است. یادداشت مسعود صوفی در پایان نسخه با خط و قلمی متفاوت و مربوط به پایان مقابله نسخه است نه کتابت متن آن، و معلوم نیست که او دستنویس خود را مقابله کرده باشد. ۶. انجامه نسخه اساس چنین نقل شده است:

... بر دست فقیر حقیر، مسعود صوفی. (مقدمۀ مصحح، ص پنجاه و هفت)

● در تصویر نسخه چنین آمده است:

... بر دست بنده فقیر حقیر، مسعود صوفی. (← همان، ص هفتاد و دو).

### تصحیح متن

۱. هو المّحیی لموات القلوب بانوار ادراکه و المُنشس لها براحه رُوح المعرفة بنشر اسمائه. (متن مصحح

ژوکوفسکی، ص ۱)

● در متن مصحح عابدی (ص ۱)، به جای «المنفس»، المُنشس آمده، که مناسب‌تر و

تصویر نسخه هم مؤید صحت آن است.

۲. الصلوة علی رسوله محمّد و علی آله و اصحابه. من بعده، قال الشّیخ... (متن مصحح عابدی، ص ۱)

● علاوه بر معنی و سیاق عبارت، از نشانه موجود در تصویر نسخه نیز چنین

برمی‌آید که قرائت ژوکوفسکی (ص ۱) صحیح است و عبارت «من بعده» به ماقبل تعلق

دارد نه به مابعد.

۳. یکی نصیب خاص، دیگر نصیب عام. (عابدی، ص ۲)
- مطابق تصویر نسخه، ضبط ژوکوفسکی (ص ۱) صحیح است: «... و دیگر نصیب عام».
۴. و مرا این حادثه افتاد. (عابدی، ص ۲)
- مطابق تصویر نسخه، ضبط ژوکوفسکی (ص ۲) صحیح است: «کی (= که) مرا این حادثه افتاد».
۵. جز تسلیم چه روی باشد مرقضا را و یاری خواستن از وی تأثیر نفس و امارگی آن از بنده دفع کند اندر کلی احوال وی... (ژوکوفسکی، ص ۳)
- ضبط عابدی (ص ۴) صحیح است که «تا شَرِّ نفس» آورده است.
۶. خداوند تعالی وی را از خطر و خلل و آفت آن نگاه دارد. (ژوکوفسکی، ص ۳)
- عابدی (ص ۴)، «خطا و خلل» آورده که مناسب تر است.
۷. اندر هر کاری که غرض نفسانی اندر آید، برکت از آن کار برخیزد... و آن، از دو بیرون نباشد؛ یا غرضش برآید، و یا برنیاید. اگر غرضش برآید، هلاک وی اندر آن بود... و اگر غرض برنیاید، باری وی بیشتر آن از دل بسترده باشد. (عابدی، ص ۴)
- ترتیب آشنای جمله چنین است: باری وی بیشتر آن [چیزی] که نجات وی اندر آن بود، از دل بسترده باشد. (عابدی، تعلیقات، ص ۶۱۶)
- ژوکوفسکی (ص ۳) هم بیشتر آورده، حال آنکه قرائت صحیح چنین است: «باری وی پیش تر آن از دل بسترده باشد»؛ یعنی «از پیش قید آن را زده و، اگر غرض و خواسته اش برنیاید، او را غمی نمی رسد».
۸. رعوناتِ نفس را حدی پیدا نباشد و تعنیهای وی اندران ظاهر نبود. (ژوکوفسکی، ص ۳)
- جمع نسخه ها: تعبیها [نوعی شیوه نگارش]. (عابدی، پانوشت ص ۵)
- تعبیهای وی که عابدی آورده ظاهراً ترجیح دارد.
۹. خدای تعالی و جلّ (ژوکوفسکی، ص ۴)
- «خدای عزّ و جلّ» که عابدی (ص ۶) آورده مناسب است. صورت غریب «تعالی و جلّ» که ژوکوفسکی آورده ممکن است نتیجه التقاط متن و حاشیه نسخه اساس باشد.
۱۰. طریق سپردن معانی بسیار دشوار باشد. (ژوکوفسکی، ص ۴)
- «سپردن طریق معانی دشوار باشد» که عابدی (ص ۷) آورده مناسب تر است.
۱۱. از هیچ سنگ آینه نتوان کرد اگرچه صقالان بسیار مجتمع گردند و باز چون آینه زنگ گیرد به

مصقله صافی شود از آنچه تاریکی اندر سنگ اصلی است و روشنایی اندر آینه اصلی. (ژوکوفسکی، ص ۵؛ عابدی، ص ۸)

● در معنای عبارت خللی هست. ضبط درست چنین به نظر می‌رسد: «... تاریکی اندر سنگ اصلی است، و روشنایی اندر آینه اصلی [نه]»، به خصوص که در ادامه عبارت آمده است: «اصل پایدار بود آن صفت عاریتی را بقا نباشد».

۱۲. چون بنده خداوند را مطیع باشد از خداوند بدو نیز زیادت بود و قوت افزون‌تر از آنچه پیش از آن بوده باشد. (ژوکوفسکی، ص ۶)

● به جای «نیز»، در متن مصحح عابدی (ص ۹) نیرو آمده که، به قرینه «قوت افزون‌تر»، ضبط درست و مفید استقامت معنی است.

۱۳. خاص و عام خلق از آن به عبارت آن پسند کرده‌اند و مر حجاب آن را به جان و دل خریدار گشته ... عوام بدان پسند کرده ... خواص بدان خرسنده شده. (ژوکوفسکی، ص ۷)

خاص و عام خلق، از آن به عبارت آن بسنده کارگشته، و مر حجاب آن را به جان و دل خریدار گشته... عوام بدان بسنده کرده ... خواص بدان خرسند شده. (عابدی، ص ۱۱)

● متن مصحح عابدی بسی رجحان دارد، خاصه آنکه مقتضی تسجیع است میان «بسنده کار» و «خریدار». ژوکوفسکی کلمه بسنده را در چند موضع دیگر نیز به صورت پسند آورده (از جمله: ص ۸، ۱۰، ۱۹، ۳۳۳)، که در چاپ عابدی اصلاح شده است.

۱۴. دیگر را بشستند و ناپایدار کردند. (ژوکوفسکی، ص ۸)

● در متن مصحح عابدی (ص ۱۱)، به جای «ناپایدار» ناپدیدار آمده که بسی رجحان دارد.

۱۵. کسی را که داروی علت وی حقیرترین چیزها بود، وی را در و مرجان نباید، تا به شلیشا و دواء المسک آمیزندش. (عابدی، ص ۱۲)

پا: شلیشا (!)؛ تاش: بلسان؛ تا، گ: شلیشا (!)؛ متن موافق «ذ». (عابدی، پانوشت ص ۱۲)

● در متن مصحح ژوکوفسکی، به جای «شلیشا»، بلسان آمده است، که ظاهراً بر نسخه اساس مبتنی است.

۱۶. خزانه‌های اسرار خداوند... به مجلدان ناپاک دادند تا آن را استر کلاه... گردانیدند. (ژوکوفسکی، ص ۸)

● عابدی (ص ۱۲)، به جای «ناپاک»، ناپاک آورده که یقیناً مناسب‌تر است، و به جای «استر» آستر آورده که، اگر مبتنی بر نسخه اساس نباشد، تغییر رسم الخط در این‌گونه

موارد که تلفظ قدیم را می‌رساند جایز نیست. در نیشابور، این کلمه را هنوز *أَسْتَر تَلْفُظ* می‌کنند.

۱۷. محاربه و سفاقت را *عظمت* ... نام کرده‌اند. (ژوکوفسکی، ص ۸)

● عابدی (ص ۱۲)، به جای «عظمت» *عِظَت* آورده که مناسب‌تر است.

۱۸. ارباب معانی اندر میان ایشان محجوب گشته‌اند. (ژوکوفسکی، ص ۹)

● عابدی (ص ۱۲)، به جای «محجوب»، *مَهجور* آورده است.

۱۹. شبلی گوید ...:

لَحَا اللهُ ذِي الدُّنْيَا مَنَاخًا لِرَاكِبٍ فَكُلُّ بَعِيدٍ لَهَا فِيهَا مَعْدَبٌ

(ژوکوفسکی، ص ۹؛ عابدی، ص ۱۳)

«شبلی» خطای کتابتی و تحریف است ... بیت از *متنّبی* ... است. (عابدی، تعلیقات، ص ۶۲۶)

● با چنین تصریحی، بهتر می‌بود ضبط صحیح به متن برده شود. در چنین مواردی،

عدول از نسخه اساس - به شرط تذکر در پانویس - رواست.

۲۰. طریقِ تصوّف را اصلی قوی است، و فرعی *مثمر*. (عابدی، ص ۱۵)

● در متن مصحح ژوکوفسکی (ص ۱۰)، به جای «*مُثْمِر*»، *مَثْمَر* (= بسیار) آمده، که

باتوجه به مقام جمله مناسب‌تر است.

۲۱. رسولان آمدند با معجزهای ناقص عادت. (ژوکوفسکی، ص ۱۶)

● صحیح، چنان که عابدی (ص ۲۲) آورده، *ناقض* است.

۲۲. علمای غافل، آنان باشند که دنیا را قبله دل خود گردانیده باشند ... و به *دَقَّتِ* کلام خود مشغول دل

شده. (عابدی، ص ۲۶-۲۷)

● قرائت ژوکوفسکی (ص ۲۰) «*رَقَّتِ* کلام» است که مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

۲۳. اینجا غناء کثرت دنیا و یافتن کام و راندن شهوت خواهند. (ژوکوفسکی، ص ۲۵؛ عابدی، ص ۳۳)

● ضبط صحیح باید چنین باشد: «اینجا از غناء کثرت دنیا ... خواهند [= اراده کنند]».

نسخه بدل‌ها نیز مؤید این ضبط است.

۲۴. اندر حقیقت *فقر سلیمان* چون غنای سلیمان بود. (ژوکوفسکی، ص ۲۷؛ عابدی، ص ۳۵)

● به جای «*فقر سلیمان*»، ظاهراً *فقر ایوب* یا *صبر ایوب* باید باشد. دنباله عبارت

هجویری این حدس را تأیید می‌کند: «از آنچه ایوب را اندر شدّت صبرش گفت *نِعْمَ العبد* و سلیمان

را اندر استقامت *ملکش* گفت *نِعْمَ العبد*».

۲۵. چون رضای رحمان حاصل شد، فقرِ سلیمان را چون غنای سلیمان گردانید. (ژوکوفسکی، ص ۲۸؛ عابدی، ص ۳۵)
- ایضاً به جای «فقر سلیمان»، فقرِ ایوب یا صبرِ ایوب باید باشد.
۲۶. اگر توانگر دارم غافل و گذاشته نباشم و اگر درویش دارم حریص و معرض نباشم. پس غنا نعمت و اعراض اندر وی آفت و فقر نعمت و حرص اندر وی آفت. (ژوکوفسکی، ص ۲۸؛ عابدی، ص ۳۵)
- به اقتضای معنی و سیاق عبارت، به جای «اعراض» غفلت صحیح است. نسخه بدل ژوکوفسکی مؤید این ضبط است.
۲۷. کارِ دوستانِ وی از سر به سر. (ژوکوفسکی، ص ۳۰؛ عابدی، ص ۳۸)
- عابدی این عبارت را در تعلیقات (ص ۶۴۴) چنین توضیح داده است:
- کار اولیای خدا (در دریافت حقیقت ذات او و بیان آن) از سر (= اندیشه محدود) آنها آغاز می شود و به سر (= اندیشه) آنها بازمی گردد. بسنجید با: «عبارتشان از خود به خود» و «مقاماتشان از جنس به جنس».
- به نظر می رسد که فعل اسنادی بعد از «از سر به سر» حذف شده است چنان که در جملات بعدی «عبارتشان از خود به خود»، «مقاماتشان از جنس به جنس»، «و حق تعالی منزّه از اوصاف و احوال خلق».
۲۸. بلای آن مشاهدت است و ادمارش انس. (ژوکوفسکی، ص ۳۱)
- در تصحیح عابدی (ص ۴۰)، به جای «ادمار»، ادبار آمده است که ضبط درست به نظر می رسد.
۲۹. الفقر عدمٌ بلاء وجود. (ژوکوفسکی، ص ۳۲)
- عابدی (ص ۴۰)، عبارت را چنین آورده است: «الفقرُ عدمٌ بلا وجود» که ظاهراً قرائت درست است.
۳۰. عوامٌ اصول از اصول معرض بود و عوامٌ فروع از فروع مصیب کسی کی از فروع بازماندگی باصولش نسبتی بود. (ژوکوفسکی، ص ۳۴)
- عوامٌ اصول از اصول مُعرض بود و عوامٌ فروع از فروع. مُصیب کسی که از فروع بازماند؛ که به اصولش نسبتی بود. (عابدی، ص ۴۲)
- ضبط و قرائت صحیح باید چنین باشد: عوامٌ اصول از اصول مُعرض بود، و عوامٌ فروع از فروع مُغیب. کسی که از فروع بازماند، کی به اصولش نسبتی بود؟

۳۱. خطرِ اهلِ آن اجلی آن است که معاملاتِ ایشان را بتوان پوشید تا اسمشان را اشتقاق بآید. (ژوکوفسکی، ص ۳۵؛ عابدی، ص ۴۳)

● «پوشید» اینجا نامناسب افتاده است و محرّف به نظر می‌رسد و با عبارت بعد («تا اسمشان را اشتقاق بآید») مناسبت ندارد. فاضلی ناشناس (شاید از شاگردان فروزانفر)، در حاشیه نسخه چاپی ۱۳۳۶ش متعلّق به فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نوشته است: «شاید بیوسید: انتظار کرد».

۳۲. اِنَّ الصَّفَا صِفَةُ الصَّدِيقِ اِنْ اَرَدْتَ صَوْفِيًّا عَلٰى التَّحْقِيقِ. (عابدی، ص ۴۴)

با... تاش، گ... این هر سه نسخه به صورت شعر آورده‌اند. (عابدی، پانوشت ص ۴۴)

● به اقتضای وزن و قافیه و بنابر تأیید آن سه نسخه مذکور و چاپ ژوکوفسکی (ص ۳۵)، بیتی است منظوم بدین گونه:

اِنَّ الصَّفَا صِفَةُ الصَّدِيقِ اِنْ اَرَدْتَ صَوْفِيًّا عَلٰى التَّحْقِيقِ

زیادتی «ان» در آغاز مصراع دوم از ویژگی‌های عروض عربی است و در عروض قدیم فارسی نیز سابقه داشته است. به نظر می‌رسد که بیت از ارجوزه‌ای تعلیمی در باب تصوّف باشد، نظیر الفیئة ابن مالک در باب صرف. این بیت و بیت مذکور در صفحه ۲۱ چاپ ژوکوفسکی گویا از منظومه‌ای واحد باشد.

۳۳. پرسیدند که مَنِ الصَّوْفِيُّ قَالَ وَجَدَانِي الدَّاتِ. (ژوکوفسکی، ص ۷۴)

● عابدی (ص ۹۱) صورت صحیح پاسخ را چنین آورده است: وَجَدَانِي الدَّاتِ. این اصلاح، در یادداشتی از همان فاضل ناشناس (موجود در نسخه چاپی فرهنگستان) نیز دیده می‌شود.

۳۴. اگر نه رعونتِ طبع و ضاللتِ عقل بر شما سلطانستی، سخن از این سنجیده‌تر گویدی. (عابدی، ص ۱۴۵)

● به اقتضای معنای عبارت و با توجه به فعل شرطی «سلطانستی»، مطابق چاپ ژوکوفسکی (ص ۱۱۵) و تأیید بیشتر نسخه‌بدل‌ها، گویدی به جای «گویدی» صحیح است.

۳۵. وصول وصول اندر شغل و فراغت نیستست. (ژوکوفسکی، ص ۱۴۸)

● کلمه آخر در نسخه‌بدل‌ها به صورت «نوشته است»، «نیشته است»، «نیستی است»، و «نسبتی است» نیز آمده و عابدی آن را به صورت نیست است (صورت نوشتاری دیگر «نیستست») تصحیح قیاسی کرده است. این تصحیح قیاسی، در همان نسخه چاپی فرهنگستان نیز اعمال شده است.



۳۶. جمله اکتساب محلّ آفاتند. (ژوکوفسکی، ص ۱۵۶؛ عابدی، ص ۱۹۰)
- در حاشیه همان نسخه چاپی فرهنگستان، «اكتساب» به اکتساب اصلاح شده که بجاست و برخی از نسخه‌بدل‌های چاپ عابدی نیز مؤید آن است.
۳۷. وی را مناقب مشهور است، و ریاضات و نقطه‌ها مذکور. (ژوکوفسکی، ص ۱۸۰)
- عابدی (ص ۲۱۸)، به جای «نقطه‌ها»، نکته‌های آورده است.
۳۸. چاهی دیدند بر میانه راه بی‌حیایی و حاجتی. (ژوکوفسکی، ص ۱۸۴)
- عابدی (ص ۲۲۳)، به جای «بی‌حیایی و حاجتی»، بی‌ستری و حاجزی ضبط کرده و در چاپ ۱۳۵۸ تهران به صورت بی‌حایلی و حاجبی اصلاح شده که مناسب به نظر می‌رسد؛ اما ضبط عابدی بی‌تردید رجحان دارد.
۳۹. مِنْهُمْ مَبَارِزٌ صَفٌّ صُوفِيَانٍ وَمَعْبَرٌ اَحْوَالِ عَارِفَانِ اَبِوالْقَاسِمِ اِبْرَاهِيمِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ النَّصْرَابَادِيِّ. (ژوکوفسکی، ص ۲۰۰)
- عابدی (ص ۲۴۲)، به جای «محمود»، محمودیه آورده که به کتب رجال هم مستند است.
۴۰. مِنْهُمْ شَيْخٌ اِمَامٌ اَوْحَدٌ وَاَنْدَرٌ طَرِيقِ خُودِ مَفْرَدِ اَبِوالْعَبَّاسِ اَحْمَدِ بْنِ مُحَمَّدِ الشَّقَانِيِّ. (ژوکوفسکی، ص ۲۱۰)
- عابدی (ص ۲۵۴)، «الاشقانی» را به صورت الشَّقَانِيُّ اصلاح کرده که به کتب رجال مستند است.
۴۱. از این جنس وی را ظرف بسیار است. (ژوکوفسکی، ص ۲۲۷)
- عابدی (ص ۲۷۷)، به جای «ظرف» (= ظرافت)، طُرْف آورده که ظاهراً مناسب‌تر است.
۴۲. لَوْ عَرَفْتُمْ اللّٰهَ حَقًّا مَعْرِفَتِهِ لَمَشِيْتُمْ عَلٰى الْبَحْرِ لَزَالَتْ بَدْعَايْكُمْ الْجِبَالُ. (عابدی، ص ۳۹۱)
- به اقتضای سیاق عبارت و مطابق چاپ ژوکوفسکی و تصویر نسخه اساس، و زَالَتْ، به جای «لزالت»، صحیح است.
۴۳. وَتَمِي مِنْ اَنْدَرٍ دِيَارِ عِرَاقٍ اَنْدَرٌ طَلَبِ دُنْيَا وَفَنَاءِ اَنْ نَپَاكِي مِي كَرْدَمِ وَاوَامِ بَسِيَارِ بَرَامَدِه بُوَد. (ژوکوفسکی، ص ۴۴۹)
- عابدی (ص ۵۰۸)، به جای «ناپاکی»، نَابَاكِي آورده که، بی‌هیچ تردید، ضبط صحیح همین است.

۴۴. خداوند... مرا که علی بن عثمان الجلابی ام از پس آن که یازده سال از آفت ترویج نگاه داشته بود تقدیر کرد تا به فتنه در افتادم و ظاهر و باطنم اسیر صفتی شد که با من کردند بی از آن که رؤیت بوده بود و یک سال مستغرق آن بودم. (ژوکوفسکی، ص ۴۷۶؛ عابدی، ص ۵۳۴)

● کلمه «صفت»، در این عبارت، بسیار غریب و نامناسب است. عبدالغفور (← عابدی، تعلیقات، ص ۹۰۰) و نیکلسن (ص ۱۸) نیز کلمه را همین طور خوانده‌اند. انصاری (ص ۱۱) آن را قیاساً به صورت «[پری] صفت» اصلاح کرده است. ضبط درست، به احتمال قوی، صیغت است و مراد این است که نادیده اسیر همسری موقت شدم.

۴۵. جهال متصوّفه این جمله را مذهب ساخته‌اند. (عابدی، ص ۶۱۰)

● به جای «متصوّفه»، مطابق چاپ ژوکوفسکی (ص ۵۴۶) و تصویر نسخه اساس، متصوّف صحیح است.

### تعلیقات و فهارس

۱. آموختن جمله علوم بر مردم فریضه نه، چون علم نجوم و طب و علم حساب و صنعت‌های بدیع و آنچه بدین مانند. (متن، ص ۱۷)

صنعت‌های بدیع: کارها و هنرهای تازه، در اینجا ظاهراً: علوم غریبه. (تعلیقات، ص ۶۲۷)

● عبارت هجویری، به وضوح، از فنّ بدیع (بخشی از علم بلاغت) و اصطلاح «صنعت» در این فن حاکی است و سخن مؤلف کشف المحجوب، در خصوص فریضه بودن علوم در حدّ نیاز دینی، با این معنی مطابقت دارد. کشف المحجوب از کهن‌ترین متون فارسی است که از فنّ بدیع و همچنین از علم عروض و برخی از اصطلاحات آن یاد کرده است.

۲. مرو: مرو شاهجهان، از شهرهای بسیار قدیمی خراسان. (تعلیقات، ص ۶۷۰)

● «مرو شاهجهان» صحیح است. صورت نادرست «مرو شاهجهان» در ص ۶۶۴ و در فهارس (ص ۱۱۳۹) نیز دیده می‌شود.

۳. مفرد ۲۲۰، ۲۶۴، ۳۷۹، ۴۵۰، ۴۷۶. (فهرست اصطلاحات، ص ۱۰۲۵)

مفرد ۵۵۳. (همان جا)

مفرد (کتاب -) ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۶۴. (فهرست لغات و ترکیبات، ص ۱۰۸۶)

مفرد (= یگانه، بی نظیر) ۲۴۹، ۲۵۴، ۳۷۹. (همان جا)

● از پنج مورد «مفرد» یاد شده در فهرست اصطلاحات، هیچ یک اصطلاح نیست، و همه کاربرد لغوی دارد.

«مفرد» که در فهرست اصطلاحات آمده، اصلاً در صفحه ۵۵۳ نیامده است.

از سه مورد «مفرد» که در فهرست لغات به عنوان صفت «کتاب» یاد شده، دو مورد (ص ۱۱۸ و ۱۶۴) اصلاً ربطی به «کتاب» ندارد.

از سه مورد «مفرد» که در فهرست لغات به معنای «یگانه و بی نظیر» آمده، یک مورد (ص ۳۷۹) اصلاً با این معنی ربطی ندارد.

مفرد (ص ۷۶) در هیچ یک از دو فهرست (اصطلاحات، لغات و ترکیبات) نیامده است.

### نکته‌های کلی

– طرح کلی مصحح، در نگارش مقدمه، تصحیح متن، افزودن تعلیقات و توضیحات مفصل عرفانی و ادبی و تاریخی و جغرافیائی، شرح و ترجمه آیات و احادیث و ابیات و عبارات عربی، و الحاق فهارس متعدّد و متنوع، عالمانه و عمده اصول آن مسلم اما اجرای آن دشوار و طاقت فرسا است.

– مصحح نسخه مقابله شده وین را اساس قرار داده و نتیجه مقابله مسعود صوفی را، هر جا لازم یافته، به متن برده و، هر جا ضبط نسخه اساس را «غلط مسلم» (به تعبیر مصحح) یافته، ضبط نسخ دیگر را در متن آورده است؛ و، به سبب کثرت و تنوع نسخه‌بدل‌ها و با عذر افزایش حجم کتاب، از نقل روایات نسخ دیگر امتناع کرده و فقط اختلافاتی را که مهم یا سودمند دانسته، در پانوشت، آورده است.

– متن به رسم الخط متداول کنونی آمده و عناوین فصول، با ذکر شماره، در داخل قلاب [ ] افزوده شده است.

– مصحح، در ضبط صحیح اعلام تاریخی و جغرافیائی، جهد بلیغ داشته و همت وی ستودنی است.

– تعیین مواضع پایان صفحات نسخه اساس و شماره‌گذاری سطرهای متن متوقع بود که از آن غفلت شده است.

– ارجاع‌ها و منابع بر اساس نام اثر تنظیم شده، که بسیار مفید و موافق و مناسب تحقیقات فارسی است. ارجاع‌ها معمولاً دقیق و کامل و مفید صورت گرفته؛ اما، در

مقدمه مصحح، برای تکرار برخی از ارجاعات داخل متن در پانویس و جبهی متصوّر نیست.

– تعلیقات و توضیحات ارزشمند مصحح – که با استفاده از ۲۶۸ منبع فارسی و عربی فراهم آمده – بسیار سودمند است، هرچند افراط در آن به تکرار بعضی مطالب و تعلیق بعضی توضیحات غیرضروری انجامیده است.

– در فهرس، تمام آیه و حدیث و همچنین تمام اقوال و اشعار و مانند آنها آمده، که بدایت هریک برای ارجاع کافی به نظر می‌رسد.  
– در فهرست «سخنان مؤلف درباره خود»، مواردی که مؤلف از آثارش یاد کرده مذکور نیست.

– از سودمندترین فهرست‌های این تحقیق «فهرست لغات و ترکیبات» آن است؛ اما، در آن، کلمات و عباراتی مانند آزادی، آشنایی، از برای، از بس، اندرگاهواره، بدون، فراموشی معنی شده و معنای کلماتی نظیر افک، الحاف، بنت لبون، بنت مخاض، بوادی، زفیر، زله، سبی، مزرع نیامده است.

– متأسفانه، در فهرس، اعلام مذکور در متن با اعلام مذکور در مقدمه و تعلیقات درآمیخته است.

– کتاب، با آنکه ویرایش فنی آن مجموعاً خوب و دقیق صورت گرفته، از برخی خطاهای مطبعی و ارجاعات کور خالی نمانده است. خطاهای مطبعی متعدّد در ارقام و اعداد همچنین در مواردی دیگر روی داده است، از جمله: «همراه»، (ص پنجاه، سطر ۹) به جای «همراهی»؛ «کجا شد» (ص پنجاه‌ونه، سطر ۱۰) به جای «کجا باشد»؛ «رنگ جهل» (ص ۶۴۸، سطر ۱۸) به جای «رنگ جهل»؛ «رخانش بمخاید» (همان‌جا، سطر ۲۱) به جای «رخانش بمخاید»؛ «۱۳/۲» (ص ۶۹۶، سطر ماقبل آخر) به جای «۱۴/۲»؛ «النساء» (ص ۸۹۸، سطر ۲۱) به جای «النساء»؛ «۷۷۹» (ص ۱۱۳۵، مقابل «نحو القلوب») به جای «۸۳۹».

ارجاع کور، مانند «ص ۸۰۶» (ص سیزده، پانویس ش ۱)؛ «ص ۸۱۶» (ص چهارده، پانویس ش ۴)؛ «ص ۸۰۵» (همان‌جا، پانویس ش ۷)؛ «ص ۶۷۶» (ص بیست‌وسه، پانویس ش ۲)؛ «ص ۷۶۴» (ص ۱۱۲۵، مقابل «محمّدبن احمد الفارسی»).

مصحح کشف المحجوب هجویری قدم در رهی مردانه نهاده و ریاضت وی را، در فهمیدن

و فهمانیدن این متن بد رکاب، از نظر دور نمی‌شاید داشت و طرح خرده‌ای چند به نیت استصواب و استحسان، از ارزش موقّعیتهای او در این پژوهش نمی‌کاهد، اما از حقیقت نمی‌توان گذشت که کار تصحیح و تحقیق در کشف المحجوب - همانند بسیاری از دیگر متون ما - هنوز به پایان نرسیده است.

### منابع

- انصاری، قاسم، «مقدمه» بر کشف المحجوب، کتابخانه طهوری، تهران ۱۳۵۸.
- تسبیحی، محمدحسین، تحلیل کشف المحجوب و تحقیق در احوال و آثار حضرت داتاگنج‌بخش، دانشگاه پنجاب، لاهور ۱۹۹۹.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله چلبی، کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، ج ۲، به کوشش محمد شرف‌الدین یالتقیا - رفعت بیلگه الکلوسی، کتابخانه اسلامی - جعفری، تهران ۱۹۶۷.
- روشن، محمد، «مقدمه» بر شرح التّعرف لمذهب التّصوّف، انتشارات اساطیر، تهران ۱۳۶۳.
- ژوکوفسکی، والتین آکسیویچ، «مقدمه» بر کشف المحجوب، ترجمه م. محمدلوی عباسی، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۳۶.
- عابدی، محمود، «مقدمه و تعلیقات» بر کشف المحجوب، انتشارات سروش، تهران ۱۳۸۳.
- عبّاسی، م. محمدلوی، «مقدمه» بر کشف المحجوب، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۳۶.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان، «مقدمه» بر ترجمه رساله قشیریه، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۷.
- قابل جمال‌اف، «نسخ خطی فارسی در قرن نوزدهم روسیه»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی (نسخه‌شناسی و کتاب‌شناسی)، بنیاد ایران‌شناسی، تهران ۱۳۸۳، ص ۲۲۵-۲۸۰.
- لاری، محیی‌الدین، فتوح الحرمین، به کوشش علی محدّث، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۶۶.
- «مقدمه قدیم» ترجمه رساله قشیریه، به کوشش بدیع‌الزمان فروزانفر، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۷.
- نظامی عروضی، احمد بن عمر سمرقندی، چهار مقاله (یا مجمع النوادر)، به کوشش محمد قزوینی - تصحیح مجدّد محمد معین، کتابفروشی زوّار، تهران ۱۳۳۷.
- نوشاهی، عارف، «منابع فارسی درباره هجویری و کشف المحجوب او در شبه قاره پاکستان و هند»، مقالات عارف، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران ۱۳۸۱، ص ۲۵۳-۲۶۱.
- نیکلسن، رینولد آین، «مقدمه» بر گزیده کشف المحجوب، ترجمه هوشنگ رهنما، انتشارات هرمس، تهران ۱۳۸۱.
- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان جلابی غزنوی، کشف المحجوب، به کوشش والتین آکسیویچ ژوکوفسکی، کتابخانه طهوری، تهران ۱۳۵۸.

